



ماهنامه خبری تحلیلی جایه
سال اول . شماره هفتم . بهمن ۱۳۹۶

آیا صهیونیست‌ها بر رسانه‌های آمریکا تسلط دارند؟

به قلم مجید صفاتاج

صندلی خالی تدبیر!!

به قلم محمد هاشمی

امیدهای صهیونیستی!

به قلم علیرضا سلطانشاهی



را دیجیتال بخوانید



برای دریافت
نسخه الکترونیکی ماهنامه جاثیه به
شناسه تلگرامی @jathianews_admin
مراجعه نمایید

با پایگاه خبری تحلیلی جاثیه در فضای مجازی همراه شوید



jathiya.ir



@jathianews



@jathianews

جاثیه تخصصی ترین پایگاه خبری پیرامون رژیم صهیونیستی



ماهنامه خبری تحلیلی جاثیه
سال اول . شماره ۷ . بهمن ۱۳۹۶

صاحب امتیاز:
موسسه آفاق روشن بیداری

مدیر مسئول:
میثم عرب سرخی

سردبیر:
مرتضی سلمانی

همکاران تحریریه:
حمیدرضا نیکو پیام . محمد عسکری

صفحه آرایی:
تیم طراحی پایگاه خبری جاثیه

باسپاس از:
دکتر مجید صفاتاج . محمد هاشمی
علیرضا سلطانشاهی . محمد صادقی

تلفن:
۰۹۳۶۸۶۸۶۶۶۷

پایگاه اینترنتی: www.jathiya.ir
رایانامه: info@jathiya.ir

جاثیه، تخصصی ترین ماهنامه در زمینه رژیم اشغالگر قدس به زبان فارسی است. نخستین شماره این ماهنامه خبری تحلیلی مرداد ماه ۱۳۹۶ منتشر شد. هدف اصلی این ماهنامه شناساندن هرچه بهتر دشمن تراز اول جهان اسلام (صهیونیسم جهانی به ویژه رژیم اشغالگر قدس) از طریق نشر اخبار روز از اراضی اشغالی، گزارشات، گفتگو، مقاله و... می باشد.

جاثیه می کوشد از این طریق روحیه ضد صهیونیستی را در خوانندگان خود زنده نگاه دارد و آن ها را به شناخت هرچه بیشتر دشمنان خود سوق دهد. از این رو تمام کسانی که به مبارزه با صهیونیسم جهانی و علی الخصوص رژیم صهیونیستی علاقه مند و تشنه شناخت بهتر دشمن خود هستند، مخاطب جاثیه محسوب شده و جاثیه می کوشد این اشتیاق پر بها را با انتشار مطالبی جدید و دقیق پاسخ دهد.

۶



میز خبر

در این شماره از ادعای مضحک یوسی کوهن، احتمال شکست حزب لیکود در انتخابات کنست، پیشرفت و توسعه پهباد های حماس و... مطالبی می خوانید.

۱۲



سایبر واژه‌ای یونانی تبار است به معنای سکاندار و راهنما. نخستین بار توسط ویلیام گیپسون نویسنده داستان های علمی تخیلی در کتاب نورمنسر بکار برده شد. رایاجنگ، نبرد مجازی، یا جنگ سایبری (به انگلیسی: Cyberwarfare یا cyber War)، به عنوان ابزار استفاده کرده.....

۵ جنگ نرم در فضای سایبر!!

میز خبر

۶ تمایل عربستان برای خریدگنبد آهنین از اسرائیل

۶ نتانیاها: امنیت اروپا مدیون ماست

۷ شکست احتمالی لیکود در انتخابات آینده کنست

۸ اسرائیل یکه تاز در هواداری از ترامپ

۸ سیاست های ۸ گانه اسرائیل علیه حماس

یهود و صهیونیسم

۹ دوستی و جاسوسی

۱۱ امیدهای صهیونیستی!

پرونده ویژه

۱۳ آیا صهیونیست‌ها بر رسانه‌های آمریکا تسلط دارند؟

۱۵ پشت پرده غول تجاری آی.بی.ام

۱۷ صندلی خالی تدبیر

۱۹ توان سایبری ارتش رژیم صهیونیستی

اینفوگرافی

۲۳ تعداد فلسطینی های زندانی در بند اسرائیل

یهود و صهیونیسم

۹



از زمان تشکیل دولت یهود در سال ۱۹۴۸ همواره رابطه‌ای راهبردی و ویژه میان ایالات متحده و اسرائیل برقرار بوده است. این رابطه را می‌توان معجونی غریب و پیوستاری وسیع از اعتماد کامل و بی‌حد و حصر تا برخی فعالیت‌های جاسوسی یکی از دو کشور در طرف دیگر، تعریف کرد.....

جنگ نرم در فضای سایبر!!

در پی دارد. بنابراین آنها سعی دارند با اتخاذ استراتژی جنگ نرم در کنار جنگ‌های سخت خودشان یا به صورت مستقل و فقط در چارچوب جنگ نرم، به اهداف خود جامه عمل بپوشانند. هر قدر زمان می‌گذرد با رشد تکنولوژی و تکنیک‌های رسانه‌ای روش‌های کار این شبکه‌ها پیچیده‌تر می‌شود. طبیعتاً لایه‌های جنگ نرم پیچیده‌تر، کامل‌تر و شناخت این ترفند و شگردها سخت‌تر می‌شود.

در این شماره سعی بر آن شده است تا با ارائه برخی اطلاعات در حوزه جنگ نرم و فضای سایبر شناختی نسبی به مخاطبان این ماهنامه ارائه شود تا پیش از پیش آگاهانه در این عرصه گام بردارند.

مرتضی سلمانی

نگارها، سینما گرها، هنرمندان و فعالان امور رسانه‌ها می‌باشند. به طور طبیعی شبکه‌های ماهواره‌ای اعم از تلویزیونی و رادیویی در چارچوب مباحث جنگ نرم، ادامه سلطه نظام کاپیتالیستی بوده و به دنبال تامین منافع و اهداف خودشان در دیگر کشورها هستند. هدف اصلی این نوع شبکه‌ها تاثیرگذاری بر افکار عمومی کشورهای هدف خود و بر هم زدن سیستم اطلاع رسانی داخلی کشورهای مورد نظر می‌باشد. آنها از ابزارهای تکنولوژیکی متعددی برای رسیدن به برنامه‌ها، اهداف و سناریوهای از پیش تعیین شده خود استفاده می‌کنند. این مقاصد می‌تواند به اشکال و قالب‌های گوناگون چهره‌نمایی کند.

جنگ نرم در تمام طول تاریخ وجود داشته است. حتی زمانی که ابزارهای تکنولوژیکی مثل رادیو، تلویزیون، ماهواره نبوده‌اند، جنگ نرم در چارچوب جنگ افکار و جنگ روانی وجود داشته است. ولی چیزی که الان در دنیا مطرح است این است که روش‌های سخت افزاری یا جنگ‌های نظامی و سخت، صدمات و پیامدهای متعددی را برای کشورهای مهاجم

جنگ نرم علیه کشورمان واقعیتی است که همه صاحب نظران به آن اذعان دارند. در واقع هدف اصلی و پنهان جنگ نرم برهم زدن نظام اطلاع رسانی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورها است. جنگ سایبری امروز در فضای شبکه‌های اجتماعی سایبری است. با توجه به این موضوع فضای سایبر ایران چه جایگاهی در این کارزار رسانه‌ای و سایبری دارد؟

جنگ نرم نوعی چالش و درگیری بین کشورها است که در حوزه محتوا، برنامه و نرم افزارهایی قرار می‌گیرد که عمدتاً از جنس رسانه است. در واقع هر گونه تقابل میان کشورها یا گروه‌هایی که با هم رقابت یا دشمنی دارند و در آن از ابزارهای رسانه ای، سایبری و نرم افزاری استفاده می‌شود، در دنیا به عنوان جنگ نرم تلقی می‌شود. در فضای جنگ نرم موضوع موشک، اسلحه، تانک، کشتی و هواپیما نیست بلکه موضوع ماهواره، اینترنت، روزنامه، خبرگزاری، کتاب، فیلم، سینما است. طبیعتاً سربازانی هم که در این جنگ نرم دخیل هستند، دیگر ژنرال‌ها، افسرها و نظامی‌ها نیستند بلکه روزنامه



ایران یکی از پنج کشور
دارای قدرتمند ترین
ارتش سایبری جهان

یوسی کوهن: چشمان و گوش های ما در ایران مارا از اتفاقات آگاه می کنند

۹ ژانویه



یوسی کوهن رئیس سازمان اطلاعاتی جاسوسی موساد در تازه ترین ادعای خود تاکید کرد که اتفاقات ایران را از نزدیک بررسی می کنیم

وی در پاسخ به خبرنگاری که نظر وی را از اوضاع ایران پرسیده بود گفت چشم ها و گوش های ما از لحظه به لحظه اتفاقات ایران به ما گزارش می دهند.

تمایل عربستان سعودی برای خرید سامانه گنبد آهنین از رژیم صهیونیستی

۱۰ ژانویه



روزنامه هآرتس: دولت عربستان سعودی قصد دارد برای مقابله با موشک های حوثی ها، سامانه گنبد آهنین را از رژیم صهیونیستی خریداری کند.

این روزنامه افزود که یک تاجر اسلحه اروپایی در ریاض گفته است که عربستان سعودی در حال بررسی موضوع خرید سلاح و تجهیزات نظامی از رژیم صهیونیستی از جمله سامانه گنبد آهنین و نصب آن بر روی تانک ها به منظور مقابله با موشک های شلیک شده از سوی حوثی ها است.

روزنامه مذکور می افزاید که مسئولان عربستان سعودی در

ابوظبی با سلاح های اسرائیلی آشنا شده اند.

با وجود نبود روابط دیپلماتیک میان عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، روزنامه هآرتس از روابط امنیتی قوی دو طرف خبر داده و تاکید کرد که این روابط پیشرفت چشمگیری هم داشته است.

این روزنامه به نقل از کارشناسان خاورمیانه آورده است که عامل امنیتی مشترک بین عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی که موجب اتحاد آنان شده است، دشمنی مشترک با ایران و نفوذ تهران در خاورمیانه است. روزنامه مذکور ذکر کرده است که هر دو طرف به دنبال توقف نفوذ ایران در منطقه هستند.

نتانیاهاو: امنیت اروپا مدیون ماست

۱۱ ژانویه



بنیامین نتانیاهاو نخست وزیر رژیم صهیونیستی در نشستی که با حضور سفرای کشورهای عضو ناتو در قدس اشغالی برگزار شد تاکید کرد تل آویو سهم بزرگی از تامین امنیت کشور های اروپایی را بردوش می کشد.

نتانیاهاو گفت: ما از وقوع چندین عملیات تروریستی اروپایی جلوگیری کرده و نگذاشتیم هواپیما های ربوده شده در شهر های مهم اروپا عملیات انجام دهند.

وی تاکید کرد که برخی از این عملیات ها دست جمعی بوده و با تلاش و کار دقیق نیروهای اطلاعاتی اسرائیل جلوی این عملیات ها گرفته شده است. لازم بذکر است که نتانیاهاو در صدد گره زدن حیات اسرائیل به امنیت کشورهای اروپایی است تا ایمن رژیم را بدهند.

شکست آزمایش موشک های سامانه "حیتس ۳" برای سومین بار متوالی

۱۱ ژانویه



وزارت جنگ رژیم صهیونیستی از شکست آزمایش موشک های سامانه ضد موشکی "حیتس ۳" برای سومین بار متوالی خبر داد. پایگاه خبری عبری زبان "والا"، در حالی که وزارت جنگ رژیم صهیونیستی قصد داشت دیروز چهارشنبه برای سومین بار موشک های سامانه حیتس ۳ را مورد آزمایش قرار دهد، این آزمایش به خاطر مشکلی که در انتقال داده ها و اطلاعات در سیستم تجربه زمینی روی داد، شکست خورد و به زمان دیگری موکول شد.

والا به نقل از "بوعز لیوی" معاون مدیر کل صنایع هوایی رژیم صهیونیستی اعلام کرد که ما نخواستیم دست به اقدام خطر آفرین بزنیم و از همین رو، این موشک ضد موشک را شلیک نکردیم و اگر مشکلی در سیستم ارتباطی به وجود نمی آمد، این موشک را شلیک می کردیم.

گفتنی است که این سومین باری است که آزمایش این موشک توسط وزارت جنگ رژیم صهیونیستی لغو می شود و یک ماه پیش نیز این آزمایش موشکی به خاطر عدم وجود "عامل امنیتی" در هدف مورد نظر لغو شده بود. رژیم صهیونیستی اعلام کرده است که این سامانه قادر به شلیک موشک های دوربرد و مقابله با موشک های بالستیک در فضا در سطحی بالاتر از برد موشک های سامانه "حیتس ۲" است.

زودتر این کار را انجام دهیم، ولی هدف ما نابودی تمامی این تونل ها تا پایان سال جاری است.» این در حالی است که بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل دیروز پیش از عزیمت به هند تهدید کرد که ارتش اسرائیل زیر ساخت های حماس را در نوار غزه تخریب خواهد کرد.

طرح احداث خط آهن صهیونیستی حيفا - بیسان - اردن ۱۵/۱۵ ژانویه



رژیم صهیونیستی سعی در احداث خط آهن «حيفا - بیسان - اردن» با هزینه بودجه ای بالغ بر ۱۵ میلیون شکل را دارد و تلاش می کند بدین ترتیب، کشورهای عربی را از طریق اردن به بندر حيفا متصل کرده و خود را به مرکز منطقه ای ترانزیت دریایی تبدیل کند و درآمدهای حاصل از این کارها را عاید خود کند.

در بودجه سال ۲۰۱۸ رژیم صهیونیستی طرح آغاز احداث پروژه «قطار المرج» به گذرگاه مرزی «شیخ حسین» اردن گنجانده شده است و قرار است ایستگاه قطار بیسان را به گذرگاه مرزی رژیم صهیونیستی و اردن وصل کند.

بر اساس گزارش روزنامه صهیونیستی یدیعوت آخارانتوت، در پی بسته شدن بنادر سوریه، محور «حيفا - گذرگاه مرزی (شیخ حسین) - اردن» برای انتقال کالاها از بندر حيفا به اردن و از طریق آن به سوریه و عراق مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

در این پروژه دو خط ریلی به طول ۱۵ کیلومتر احداث خواهد شد که هزینه آن ۲ میلیارد شکل (تقریباً ۵۰۰ میلیون دلار) برآورد شده است.

این اولین نظرسنجی نیست که از احتمال پیروزی یش عتید و شکست لیکود در انتخابات آینده حکایت دارد، بلکه دو هفته پیش نیز پایگاه خبری «ماکور ریشون» با انتشار نتایج یک نظرسنجی از پیروزی حزب یش عتید به رهبری یائیر لید با کسب ۲۵ کرسی در مقابل ۲۴ کرسی لیکود خبر داده بود.

میری ریگو وزیر ورزش و فرهنگ رژیم صهیونیستی که از قدرتمندترین شخصیت های سیاسی حزب لیکود به شمار می رود، در واکنش به این نظرسنجی گفته است که اعتقادی به نظرسنجی ها ندارد و از پیروزی لیکود در انتخابات آینده اطمینان دارد. وی گفت که ما تا پایان سال ۲۰۱۹ در قدرت باقی می مانیم و پس از برگزاری انتخابات دوباره پیروز خواهیم شد. وی تصریح کرد که اطمینان دارد که نخست وزیر دولت آینده نیز بنیامین نتانیاهو است.

لیبرمن: نمی دانم نظامیان مفقود شده صهیونیستی زنده هستند یا مرده اند



آویگدور لیبرمن وزیر جنگ رژیم صهیونیستی امروز دوشنبه ۱۵ ژانویه اذعان کرد که نمی داند نظامیان مفقود شده صهیونیستی در نوار غزه زنده هستند یا مرده اند. برای اولین بار است که یک مقام اسرائیلی در چنین سطحی به احتمال زنده بودن نظامیان مفقود شده صهیونیستی در نوار غزه اعتراف می کند، این در حالی است که سران تل آویو طی چند سال گذشته همواره مدعی بودند که این نظامیان مرده اند. وی یادآور شد: «تا پایان سال جاری تمامی تونل های تهاجمی حماس را تخریب می کنیم، شاید بتوانیم

شکست احتمالی لیکود در انتخابات آینده کنست

۱۳/۱۳ ژانویه



نتایج تازه ترین نظرسنجی به عمل آمده در رژیم صهیونیستی حاکی از شکست احتمالی حزب لیکود در انتخابات آینده کنست است.

روزنامه عبری زبان معاریو به انتشار نتایج این نظرسنجی پرداخته است.

بر این اساس، حزب «یش عتید» با احتمال کسب ۲۷ کرسی شانس اول پیروزی در انتخابات کنست خواهد بود.

در مقابل حزب حاکم یعنی لیکود ۲۲ کرسی را کسب خواهد کرد.

در جایگاه سوم نیز حزب کار با ۱۴ کرسی قرار دارد و پس از آن نیز حزب خانه یهودی با ۱۳ کرسی و لیست یکپارچه عربی با ۱۱ کرسی قرار گرفته اند.

برگزار کنندگان این نظرسنجی، نظر ۵۷۲ نفر شرکت کننده را در مورد سخنان پسر نتانیاهو در فایل صوتی منتشر شده (در مورد فساد مالی نتانیاهو) جويا شده اند که بیش از ۶۲ نفر گفته اند هزینه محافظان شخصی پسران نتانیاهو را به هیچ وجه دولت نباید پردازد و ۶۲ درصد هم با قانونی که هفته گذشته در کنست به تصویب رسید، اعلام مخالفت کرده اند.

کارشناسان بر این باورند که فایل صوتی منتشر شده سخنان پسر نتانیاهو، جنجال گسترده ای را به پا کرده است و تاثیر بسزایی بر افکار عمومی صهیونیست ها داشته است و همین مسئله مطمئناً در کاهش کرسی های لیکود در این نظرسنجی اثرگذار بوده است.

اسرائیل یک‌ه تاز در هواداری از

ترامپ

۱۸/ژانویه



طبق نظرسنجی گالوپ، اسرائیلی‌ها از محدود جوامعی هستند که ترامپ را بیشتر از اوباما دوست دارند.

نظرسنجی جدید گالوپ حاکی از آن است که حمایت جهانی از رئیس‌جمهور آمریکا سال ۲۰۱۷ به شدت کاهش داشته است. اما اسرائیلی‌ها از محدود جوامعی هستند که از دونالد ترامپ بیشتر حمایت کرده‌اند.

طبق این نظرسنجی میزان محبوبیت بین‌المللی رئیس‌جمهور آمریکا سال ۲۰۱۷ بطور بی‌سابقه‌ای کاهش داشته و به ۳۰ درصد رسیده است. این تحقیق در ۱۳۴ کشور انجام شده و فقط در اسرائیل، بلاروس، مقدونیه و لیبیا میزان محبوبیت ترامپ کمی بیشتر بوده است. در این نظرسنجی میزان محبوبیت ترامپ میان اسرائیلی‌ها ۶۷ درصد بوده است. این درحالیست که فلسطینیان همگی با تغییر سیاست آمریکا در قبال قدس توسط ترامپ مخالف هستند. هزار نفر در این نظرسنجی که از مارس تا نوامبر ۲۰۱۷ انجام شده است، شرکت داشتند.

معاریه: حماس در تلاش برای توسعه پهادهای خود

است ۲۰/ژانویه



تحلیلگر نظامی اسرائیلی تاکید کرد که حماس اخیراً در پی کشف برخی تونل‌هایش در غزه،

تلاش‌ها برای توسعه پهادهای خود را بیشتر کرده است.

یوسی ملمان تحلیلگر نظامی روزنامه معاریو اظهار داشت که حماس اکنون در تلاش برای افزایش قدرت نیروی هوایی خود به توصیه ایران و حزب الله است و بر همین اساس، قصد دارد پهادهای خود را توسعه بخشد. ملمان خاطر نشان کرد که ارتش رژیم صهیونیستی در جنگ ۵۱ روزه در غزه چندین پهباد حماس را که بسیار کوچک هم بودند، ساقط کرد.

وی اشاره کرد که در دو سال گذشته پیگیر تلاش‌های حماس برای توسعه پهادهای خود بوده است و این اقدامی استراتژیک از سوی حماس است و اینگونه پیداست که حماس پس از تخریب برخی تونل‌هایش در غزه، به سمت توسعه پهادهای خود گرایش پیدا کرده است. این تحلیلگر نظامی تاکید کرد که گرایش حماس به سمت توسعه پهادهای خود ممکن است جایگزینی برای تونل‌ها باشد و با این اقدام ارتش رژیم صهیونیستی را در جنگ آینده غافلگیر کند.

سیاست‌های ۸ گانه رژیم صهیونیستی برای فشار علیه حماس در غزه

۲۰/ژانویه



وزیر جنگ رژیم صهیونیستی به راهبرد ۸ ماده‌ای این رژیم برای «خفه کردن» جنبش مقاومت اسلامی «حماس» اشاره کرد. او یگدور لیبرمن در گفتگوی مفصل با روزنامه «مکور ریشون» به راهبرد رژیم صهیونیستی برای اعمال فشار علیه حماس در غزه اشاره کرد و مدعی شد که این راهبرد با هماهنگی مصر اتخاذ شده است.

لیبرمن خاطر نشان کرد که نخستین راهبرد، آزادی نظامیان اسیر و ناپدید شده «اسرائیلی»، دومین راهبرد، انهدام کامل تمامی تونل‌های مقاومتی حماس و راهبرد سوم، تکمیل دیوار زیرزمینی در شرق باریکه غزه است.

وی افزود راهبرد چهارم، واکنش در برابر هر گلوله خمپاره یا هر فروند موشک شلیک شده از غزه به سمت فلسطین اشغالی با هدف قرار دادن توانمندی‌های نظامی حماس و تخریب انبارهای تولید موشک و سکوها، شلیک موشک، راهبرد پنجم، تقویت شهرک نشینان اطراف غزه با حمایت اقتصادی از آنها و راهبرد ششم این است که حماس بدانند که بازسازی غزه منوط به خلع سلاح حماس است. لیبرمن هفتمین راهبرد را چنین تشریح کرد که رژیم صهیونیستی قصد دارد تنها سرهای فلسطینیان ساکن غزه را بالای آب نگه دارد؛ هر چند که احتمال چشم پوشی حماس از سلاح خود بعید است، اما تل‌آویو امیدوار است که ساکنان غزه علیه حماس قیام کنند؛ بدون اینکه رژیم صهیونیستی مجبور به اشغال مجدد باریکه غزه و احداث شهرک‌های صهیونیست نشین شود. وزیر جنگ رژیم صهیونیستی مدعی شد که اسرائیل باید مستقیماً با فلسطینیان صحبت کند و به آنها توضیح دهد که تداوم حاکمیت حماس برای آنها خسارت بار است و بدین ترتیب، می‌توان مهمترین برگ برنده را که همان «پایگاه مردمی» است، از دست این جنبش خارج کرد. وی در عین حال، راهبرد هشتم را هماهنگی با مصر درباره بازگشایی گذرگاه رفح و بستن آن اعلام کرد؛ به طوری که این گذرگاه با هماهنگی مستقیم طرف صهیونیستی باز می‌شود؛ هر چند که مصر خود را مرجع تصمیم‌گیری در این زمینه معرفی می‌کند.



دوستی و جاسوسی

محمد صادقی | از زمان تشکیل دولت یهود در سال ۱۹۴۸ همواره رابطه‌ای راهبردی و ویژه میان ایالات متحده و اسرائیل برقرار بوده است. این رابطه را می‌توان معجونی غریب و پیوستاری وسیع از اعتماد کامل و بی‌حد و حصر تا برخی فعالیت‌های جاسوسی یکی از دو کشور در طرف دیگر، تعریف کرد. هر چند پس از اعلان تشکیل رژیم اسرائیل، ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق نخستین دولت‌هایی بودند که وجود آن را به رسمیت شناختند، لکن حمایت سیاسی و نظامی از آن رژیم، به خصوص بعد از جنگ سال ۱۹۵۶ و حمله سه جانبه انگلیس، فرانسه و اسرائیل به مصر دوران جمال عبدالناصر، به یک اصل تغییرناپذیر در سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد.

تقریباً بدون هیچ استثنایی، رؤسای جمهور آمریکا از لیندون جانسون (۱۹۶۸-۱۹۷۲) به بعد همواره با قاطعیت اعلام می‌کردند که حفظ تقدم فناوری نظامی اسرائیل نسبت به کشورهای عرب، آن هم حداقل به میزان یک نسل فراتر از توانمندی اعراب یک تعهد تاریخی است. تبلیغات پرسی و صدا و ملی گرایانه اعراب در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ که همواره نابودی اسرائیل، قتل عام یهودیان و ریختن آنان به دریا را همانند یک مانیفست، تکرار و از طریق اعلامیه‌های پرطمطراق در رسانه‌هایشان پخش می‌کردند، این باور را که اسرائیل کشوری مظلوم در میان دشمنانی کینه ورز و خشن و جنگ طلب است و برای حفظ موجودیت خود و جلوگیری از

تکرار آنچه در دوران جنگ جهانی دوم بر سر یهودیان آمده، مجاز به دفاع از خویش به هر وسیله و تحت هر شرایطی است را در میان دولت‌های عربی و به ویژه آمریکا، نهادینه ساخت. نقطه اوج این باور در حمایت بی‌دریغ آمریکا از رژیم اسرائیل در جریان جنگ ۱۹۶۷ بود که منجر به فتح سریع و بی‌دردسر و اشغال مناطق وسیع و راهبردی از کشورهای مصر، اردن و سوریه توسط اسرائیل شد. در همان جنگ، هواپیماهای اسرائیل ناو آمریکا «لیبرتی» (Liberty) را که وظیفه ارسال فرکانس‌های گمراه کننده و جنگ الکترونیک را بر عهده داشت و روز شروع جنگ در آبهای مدیترانه و نزدیک سواحل مصر گشت می‌زد مورد حمله شدید و ویرانگر خود قرار

داد. ناو آسیب جدی دید و حدود ۱۰۰ ملوان و افسر آمریکایی کشته و زخمی شدند، اسرائیل رسماً از آمریکا پوزش خواست و آمریکا نیز با پذیرش پوزش، آن را به حساب اشتباه خلبانان اسرائیلی در شناسایی هدف گذاشت. این موضوع نشان داد که رابطه دو کشور چنان تعریف شده است که حوادثی از این قبیل، خدشه‌ای بر استحکام آن وارد نمی‌سازد. در جنگ سال ۱۹۷۳ که اعراب برای نخستین بار در نقش مهاجم وارد شدند، پس از خارج شدن اسرائیل از شوک اولیه و درخواست کمک از آمریکا، عظیم‌ترین پل هوایی که تاریخ تا به آن روز شاهد آن نبوده از شرق آمریکا به اسرائیل برقرار شد به گونه‌ای که خسارات سنگین هوایی و زرهی ۴۸ ساعت

نخست جنگ به ویژه در جبهه صحرای سینا بر ارتش اسرائیل به سرعت از سوی حامیان آمریکایی تل آویو جبران شد. از این گذشته هرگاه قطعنامه‌ای در شورای امنیت دال بر محکومیت اقدامات اسرائیل در هر زمینه‌ای مطرح می‌شد، بلافاصله با رای منفی (وتوی) ایالات متحده مواجه و از نظر اجرایی فاقد هرگونه اهمیت می‌گردید. با این وصف از سوی اسرائیل، همواره این کنجکاو وجود داشته که آیا طرف مقابل (آمریکا)، به رغم اینکه دوست بسیار خوبی است و حامی قدرتمندی که همواره می‌توان روی او حساب کرد، ممکن است اطلاعاتی داشته باشد که نخواهد آن را برای طرف مقابل (اسرائیل) افشا کند؟ این تردید، ریشه در شک و ظن دائمی اسرائیلی‌ها نسبت به جهان پیرامون دارد. زیرا آنان چنین می‌اندیشند که در هر حال تنها کشوری که نگران سرنوشت یهودیان است، خود اسرائیل خواهد بود و بس و آمریکا و اروپایی‌ها و روسیه و ژاپن و بقیه کشورهای قدرتمند صنعتی یا نظامی، ممکن است هر لحظه که منافعشان ایجاب کند، با دولتی که خصم اسرائیل است به توافق برسند و شاید آن روز دیگر برای اسرائیلی‌ها خیلی دیر باشد! تاریخ ۳۰ ساله گذشته

نمایانگر فعالیت‌های جاسوسی اسرائیل در کشورهای اروپایی (به ویژه ایتالیا و فرانسه) است که نمونه‌ای از آن در بمباران نیروگاه اتمی «اوسیراک» عراق در خرداد ماه، ۱۳۶۰، تجلی یافت. همچنین دستگیری «جوناتان پولارد»، افسر نیروی دریایی آمریکا در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی که به جرم ارائه اسناد محرمانه به اسرائیل دستگیر و به حبس ابد محکوم شد. بدیهی است هر چه دو کشور با یکدیگر دوست یا متحد هم باشند، در صورتی که فرد یا افرادی در کشور مقابل اقدام به جاسوسی کنند، مورد لطف و مرحمت قرار نخواهند گرفت، بلکه با شدیدترین شیوه با آنان برخورد خواهد شد. اتهام اخیر به یکی از کارمندان عالی‌رتبه وزارت دفاع آمریکا نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. این پروژه بیش از آنکه نمایانگر افتراق در منافع آمریکا و اسرائیل باشد، نشان دهنده اهداف اعلام نشده اسرائیل از تحلیل اطلاعات دریافتی از عوامل خود در آمریکا است. اهدافی که چه بسا حتی آمریکا نیز در جریان آن قرار نمی‌گیرد. تصور اینکه چنین بحرانی، نقطه جدایی آمریکا و اسرائیل خواهد بود اشتباه است، زیرا در واقع، به رغم آنکه آمریکا حامی اسرائیل است، اما اسرائیل

(و در واقع صهیونیسم بین المللی) تعیین کننده اصلی خط مشی در سیاست‌های خارجی و حتی تبلیغاتی و اقتصادی آمریکاست. در واقع اسرائیل، از دیدگاه خود نوعی صرفه جویی از هزینه‌های جاسوسی به عمل می‌آورد، زیرا در نهایت می‌داند این وقایع گذراست و حداکثر با یک پوزش می‌تواند بحران فیما بین را از سر بگذرانند. بهتر است جمله معروفی از ریچارد نیکسون، یکی از مقتدرترین رؤسای جمهوری آمریکا در نیمه دوم قرن بیستم را یادآوری کنیم که گفته است: «فکر روزی را بکنید که اسرائیل نباشد، آن وقت آمریکا چه وضعی پیدا خواهد کرد؟!»

نمایی هوایی از تلفات شدید ارتش مصر در جریان جنگ شش روزه





امیدهای صهیونیستی!

علیرضا سلطانشاهی

از مجموعه آثار و رفتار دستگاه اسراییلی اینگونه بر می آید که صهیونیستها موجودیتی به نام ایران را در سه سطح دسته بندی کرده اند:

الف) سطح حاکمیتی

ب) سطح دولتی

پ) سطح مردمی

نحوه رفتار با هر یک از این سه سطح نیز متفاوت است. آنها بر این واقف هستند که در سطح حاکمیتی و اصلیت نظام اسلامی در ایران هیچ جایی ندارند و به هیچ عنوان هم نمی توانند از در مرافقت و یا سازش با آن برآیند. چرا که راهبری این سطح از نظر آنها بر عهده رهبر است و رهبری قبل و فعلی این نظام هم تاکنون هیچ نشانه ای از دوستی و نزدیکی به آنها نشان نداده است. پس راهبرد آنها در قبال سطح حاکمیتی صرفاً حاصل جمع جبری صفر است.

صهیونیستها در قبال سطح دولتی امیدواری هایی دارند چون بر این اعتقاد هستند که دولت ها بر اساس انتخاب مردم در حال چرخش هستند. آنها دولت های ایران نسبت به اسرائیل را تندرو و میانه رو تقسیم بندی می کنند و شدیداً با بکارگیری اهرم نفوذ، فشار، تطمیع و تهدید بر آن هستند تا منفذی در میان میانه روها ایجاد کرده و رفتار دولت ها را نسبت به خود نرم تر، قابل مذاکره و معامله نمایند. آن چنانکه یوسی آلفر در کتاب پیرامونی بر این واقعیت صحنه گذاشته و به امیدواری صهیونیستها به میانه روها اذعان می نماید.

اما سطح مردمی، مهمترین بخش از راهبرد مقابله با ایران در تفکر استراتژیک اسرائیل است که به سه بخش تقسیم میشود.

الف) طرفداران امام و انقلاب

ب) مخالفین نظام

پ) بی تفاوتها

صهیونیستها بر این اعتقاد هستند که اقشار طرفدار انقلاب اسلامی به شدت در حال ریزش هستند. آن هم با این نتیجه که یا به مخالفین نظام و یا به بی تفاوتها می پیوندند.

از همین رو به ابزار رسانه ای و تبلیغاتی به ویژه از طریق شبکه های اجتماعی صهیونیستی امیدوار

هستند که تا میتوانند بر حجم و سرعت این ریزش بیفزایند چون حتی اگر بر شمار بی تفاوتها افزوده شود، برای آنها پیروزی محسوب می گردد.

راهبرد آنها در مقابل مخالفین، تجهیز، حمایت و آموزش است تا از طریق جنگ نرم به مقابله با نظام پردازند. در واقع مخالفین نظام همان سرمایه های مردمی است که صهیونیستها از آن دم می زنند.

پروژه تبدیل اقشار بی تفاوت به مخالف نظام هم پروژه ای بسیار زمان بر و پرهزینه است چون از منظر آنها یافتن منافع مادی و معنوی و ارزشهای حاکم بر این اقشار چه مذهبی و چه لائیک بسیار پیچیده و پرحمت است. هم اکنون برآورد عددی دقیقی از شمار موجود از این اقشار وجود ندارد. چرا که احصاء آن به سادگی ممکن نیست صهیونیستها از ابتدای انقلاب با برنامه ریزی ها و هزینه های کلان ظرف این ۴۰ سال تقریبی در هر مرحله ای بر این باور بوده اند که شمار مخالفان به مقدار لازم برای شکست نظام رسیده است. ولی رفتارهای مردم ایران در مقاطع حساس از جمله رفتارندوم های عمومی همچون راهپیمائی های ۲۲ بهمن، روز جهانی قدس، روز ۹

دی ماه، اجتماعات سیاسی - مذهبی همچون نماز جمعه و نماز عید سعید فطر، تشییع پیکر شهدای جنگ تحمیلی و یا مدافع حرم، حاکی از آن است که هنوز این سرمایه گذاری جواب نداده است. ولی این به معنای دست شستن از طراحی توطئه های جدید نیست. چرا که تصور آنها بر این است که همزیستی با جمهوری اسلامی غیر ممکن است ولی با ایران منفصل از انقلاب اسلامی و ارزشهای آن همچون ۲۵۰۰ سال دوران پادشاهی سهل و آسان. پس تلاش آنها برای بازگشت به آن دوران یا چیزی شبیه به آن مشخصات، بی امان و مستدام خواهد بود.

به نسبت همین راهبرد صهیونیستی، آسیب شناسی عملکرد مسئولین نظام و وظیفه مردمی کاملاً آشکار و برای رفع آسیبها داروی آن معلوم است. اینکه از دشمن توقع عقب نشینی و یا خضوع داشته باشیم واهی است. ذات دشمن، دشمنی کردن است آن هم از نوع لجوج ترین و عنود ترین آن که در قرآن شرح مفصل از آن ارائه شده است. پس بر ماست که فارغ از رفتارهای منفعلانه، فعالانه در پی تحقق اهداف انقلابی مبتنی بر آموزه های راه گشای اسلامی باشیم.

سایپر و جنگ مجازی



سایبر واژه‌های یونانی تبار است به معنای سکاندار و راهنما. نخستین بار توسط ویلیام گیپسون نویسنده داستان‌های علمی تخیلی در کتاب نورمنسر بکار برده شد.

رایاجنگ، نبرد مجازی، یا جنگ سایبری (به انگلیسی: Cyberwarfare یا cyber War)، به نوعی از نبرد اطلاق می‌گردد که طرفین جنگ در آن از رایانه و شبکه‌های رایانه‌ای (به خصوص شبکه اینترنت) به عنوان ابزار استفاده کرده و نبرد را در فضای مجازی جاری می‌سازند.



آیا صهیونیست‌ها بر رسانه‌های گروهی و تبلیغاتی آمریکا تسلط دارند؟

از دیدگاه رهبران گروه‌های صهیونیستی آمریکا، ادبیات و مطبوعات، دو نیروی بزرگ و عمده‌ای به‌شمار می‌آیند که می‌توانند در خدمت اسرائیل درآیند. **مجدد صفاتاج** بدین لحاظ یهودیان آمریکا معمولاً حیل‌گرانه وارد رسانه‌ها شده و به آنها ملحق می‌شوند، خبرنگاران و نویسندگان آنها به خوبی در صفحه تلویزیون حضور می‌یابند و در رأس هرم رسانه‌ها می‌نشینند، آنها علاوه بر نفوذ در ارکان حکومت آمریکا، لابی صهیونیستی، افکار عمومی این کشور درباره اسرائیل و خاورمیانه را نیز شکل می‌دهد.

که مطالبی را در حمایت از اسرائیل در روزنامه منتشر می‌کنند. در رسانه‌های دیداری و شنیداری نیز همین وضعیت حاکم است. مدیر C.N.N مدعی است که در برخی روزها، بالغ بر شش هزار ایمیل اعتراض‌آمیز دریافت می‌کند مبنی بر اینکه برخی برنامه‌های شما ضد اسرائیلی‌اند. مشابه همین، اعضای کمیته‌ای که در جهت ارسال گزارش‌های دقیق از خاورمیانه فعالیت می‌کند.

در سال ۲۰۰۳ در بیش از ۳۳ شهر آمریکا در مقابل ایستگاه‌های رادیویی تظاهرات به راه انداخته و اعلام کردند؛ شرکت‌کنندگان در این تظاهرات تا زمانی که گزارش‌های این رادیوها موافق اسرائیل نباشند از حمایت مالی این رادیوها دست برباهند داشت. علاوه بر این فشار بر این رادیوها،

رسانه‌ها را فراهم کرده است که بدون تردید مطالب خویش را در طرفداری از اسرائیل می‌نویسند. در حالی که وی تنها چهار نفر را پیدا کرده که در طرفداری از اعراب و در انتقاد از اسرائیل مطلب می‌نویسند. تعصب طرفداری از اسرائیل در سرمقاله‌های روزنامه‌های بزرگ نیز مشخص است. روزنامه‌هایی چون شیکاگو سان تایمز، واشنگتن تایمز سرمقاله‌هایی عمدتاً به طرفداری از اسرائیل می‌نویسند و مجلاتی نظیر کامنتاری نیو ریپابلیک و ویکلی استاندارد نیز مستمراً از اسرائیل حمایت می‌کنند.

این تعصبات حتی در روزنامه‌ای همچون نیویورک تایمز هم که به انتقاد از اسرائیل مشهور است دیده می‌شود. به‌عنوان مثال، سردبیر سابق این روزنامه، ماکس فرانکل از نویسندگان روزنامه تشکر کرد

لذا هیچ‌گونه بحث آزادی درباره اسرائیل در رسانه‌ها صورت نمی‌گیرد، چون ممکن است میزان حمایت آمریکا از اسرائیل مورد تردید واقع شود. درواقع سازمان‌های یهودی می‌کوشند تا در رسانه‌ها، محافل فکری (think tank) و مراکز دانشگاهی نفوذ کنند، چون این نهادها در شکل‌گیری افکار عمومی نقشی حیاتی دارند. نظر لابی‌های صهیونیست نسبت به جریان حاکم بر رسانه‌ها بسیار مثبت است؛ زیرا بسیاری از مفسران رسانه‌ها از اسرائیل حمایت می‌کنند.

اریک آلترمن روزنامه نگار می‌نویسد: «تصمیم‌گیری درمورد خاورمیانه، در اختیار کسانی است که حتی تصور انتقاد از اسرائیل را هم نمی‌کنند.» او اسامی ۶۱ ستون‌نویس و مفسر

از طریق دوستان اسرائیل در کنگره تشدید می‌شود. همه این عوامل باعث شده است تا در رسانه‌های آمریکا مطالب مبتنی بر انتقاد از اسرائیل کمیاب باشد.

این در حالی است که دیگر پیروان ادیان به ویژه اعراب آمریکایی علاقه‌ای به کار در عرصه رسانه‌ها نشان نداده و کمتر اتفاق می‌افتد یک عرب آمریکایی را مشاهده کنید که در مؤسسه مطبوعات درس بخواند تا پس از آن در یکی از استودیوهای خبری به کار پردازد. در مورد دیگر مسلمانان وضع از این هم بدتر است و بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد که مسلمانی به فعالیت در عرصه رسانه‌ها پردازد. حتی اگر هم بخواهد از سوی محافل فشار صهیونیسم از فعالیت در این عرصه به شیوه‌گوناگون بازداشته می‌شود.

بدین طریق عرصه رسانه‌ها از طریق افرادی که در اتاقهای تحریر خبر کار می‌کنند تقدیم دوستداران و طرفداران اسرائیل شده است. مطلب زیر شاهی است بر این مدعا.

با مدیر ایستگاه تلویزیونی شمال غرب ایالات متحده که فکر می‌کنم خانم «کین» نام داشت و مالک شبکه NBC در سیاتل بود به صحبت پرداختم وی اظهار داشت:

«اگر از یک روزنامه نگار مسیحی بخواهی طی یک مقاله به بررسی خاورمیانه پردازد شما می‌توانید

یک یهودی ببینید که در برابر وی نشسته است، روزنامه‌نگار مسیحی در حین نوشتن مقاله، یهودی نشسته در برابر خود را در ذهنش مجسم می‌کند، اما اگر در برابر این مسیحی یک مسلمان باشد، یا یک عرب مسلمان نشسته باشد، فرد مسیحی آنها را نیز در ذهنش مجسم خواهد کرد اما آنها در آنجا حضور ندارند، عواملی که باعث بوجود آمدن تفاوت‌های فاحش می‌شوند همینها هستند.»

وقتی به جهت‌گیری صهیونیستی این رسانه‌ها و اعترافات آمریکاییان توجه می‌شود خفایای موضوع به شکلی روشن تر مشاهده می‌شود. اما جنبه خطرناکتری که تعجب انسان را برمی‌انگیزد سیطره لابی یهودی یا گروه‌های فشار صهیونیستی بر این رسانه‌ها و جهت‌دهی آنها در جهت خدمت به منافع استراتژیک یهودیان است. این امر در مراحل متعددی از کشمکش و بحران در خاورمیانه به اثبات رسیده است و زوایای تحریف و تقلب و دروغ پردازی در رسانه‌های آزاد آمریکا از پرده برون افتاده است. با وجود آنکه گاهی بعضی روزنامه‌ها و یا شبکه‌های تلویزیون آمریکا علیه یکدیگر موضع‌گیری می‌کنند اما درباره منافع اسرائیل، موضع یکسانی دارند.

روزنامه‌های معتبر آمریکایی همواره از کشورهای عربی به عنوان کشورهای متجاوز به اسرائیل یاد کرده و فلسطینیان و لبنانیان را

تروریست‌هایی معرفی می‌کنند که از کشورهای عربی آمده تا اسرائیلی‌ها را به قتل برسانند. لابی صهیونیست حتی به تنظیم نوع نوشتن روزنامه‌ها و خط دهی نامه‌ها توجه دارد به طوری که ناشران و سردبیران روزنامه‌ها را تشویق می‌کند تا از نامزدهای طرفدار اسرائیل حمایت کنند.

شواهد زیادی وجود دارد که فرایند تقلب و فریبکاری رسانه‌های آمریکا را در مورد درگیری اعراب و اسرائیل نشان می‌دهد. اما مسأله اساسی که خشم افکار عمومی جهان اسلام را برانگیخته، مکانیزم برخورد دوگانه رسانه‌ها است. مثلاً کشتار شیعیان جنوب لبنان در روستای قانا توسط هوایمای جنگنده بمب افکن اسرائیلی را تنها اشتباهی از سوی ماشین نظامی اسرائیل تلقی کردند و یا رسانه‌های آمریکا و غرب قضیه آتش زدن مسجد الاقصی در سال ۱۹۶۹ یا کشتار نمازگزاران حرم ابراهیمی الخلیل در سال ۱۹۹۶ را کار یک دیوانه به حساب آورند. اما وقتی جنبش مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین به مقاومت در برابر اشغال پرداخته و فعالیت می‌کند تروریست خوانده می‌شود و...

در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی آماری جمع بندی شده در خصوص دستگاههای ارتباط جمعی و تبلیغاتی آمریکا در مطبوعات جهان ارائه شد.

در این آمار که نمایانگر سلطه پنهانی صهیونیسم بر آمریکاست به خوبی نشان داده شده است که این سلطه در ارتباط با وسایل و دستگاههای ارتباط جمعی و تبلیغاتی این کشور تقریباً قطعی است. طبق این آمار بیش از نیمی از ۱۷۳۰ نشریه روزانه که تیراژ آنها از شصت و یک میلیون متجاوز است توسط چند کمپانی کنترل می‌شود.

- بیست کمپانی (که اکثراً با کمپانی‌های فوق متداخل هستند) بیش از نیمی از ۱۰۸۳۰ مجله هفتگی تخصصی و غیر تخصصی را اداره می‌کند.

- ده کمپانی اکثریت قریب به



و تلویزیون توانستند با انتشار پیوسته اطلاعات دروغ و غلط در سراسر جهان به ویژه در جامعه آمریکا، مغزها را شستشو داده و رویکردها و مواضع مخرب و هولناکی در برخی دولتها مانند، آمریکا علیه برخی ملل ایجاد کنند!

بررسی‌ها و آمار نشان می‌دهد که جامعه آمریکا یکی از قربانیان جدی و محسوس جنایت‌های رسانه‌ای صهیونیست‌ها در جهان امروز هستند. صهیونیست‌ها بدون حضور مستقیم و با به کارگیری رسانه‌های تصویری نفوذی شگرف و باشتاب در افکار و اندیشه‌های آمریکایی‌ها به ویژه دختران و پسران جوان آمریکا دارند.

بدین‌شکل صهیونیسم جهانی تأثیر وافر بر اخلاق و افکار ملت آمریکا داشته بی آنکه حضور محسوسی در این جنایت هولناک داشته باشد.

نیز ۲۲۴ روزنامه و نشریه توسط یهودیان منتشر می‌گردد که باید بیش از ۴۰ نشریه دیگری که به صورت محرمانه تنها بین یهودیان توزیع می‌شود را هم به آن افزود. در تحقیق مفصلی نیز که در اکتبر ۱۹۹۴ روزنامه «وانتیتی ویر» تحت عنوان غول‌های رسانه‌های آمریکا منتشر نمود معلوم گردید که نیمی از ۱۲ فرمانروای این رسانه‌ها یهودی هستند و بر نیمی دیگر نیز نفوذ و سلطه دارند.

صهیونیست‌ها با اجرای گسترده عملیات اطلاع‌رسانی و مطبوعاتی نادرست، تا درصد بسیار زیادی توانستند در اذهان عمومی مردم آمریکا علیه مسلمانان و کشورهای اسلامی تغییرات اساسی ایجاد کرده و در مقابل خوش‌بینی زیادی در جامعه آمریکا نسبت به صهیونیسم و مظلوم جلوه دادن یهود در دنیا وارد سازند.

صهیونیست‌ها با در اختیار داشتن درصد قابل ملاحظه‌ای از عملیات اطلاع‌رسانی در رسانه‌های قوی و مطرح همچون روزنامه‌ها، مجلات، فیلم‌های سینمایی و ویدئویی، رادیو

اتفاق شنوندگان رادیویی را در اختیار دارند.

- سه شبکه سراسری اکثریت ایستگاه‌های تلویزیونی را کنترل و تغذیه می‌کنند.

- چهار کمپانی سینمایی عمده، بازار فیلم را در اختیار دارند.

- خبرگزاری‌ها نیز منحصر به دو کمپانی هستند.

- بنگاه‌های نشر کتاب که تعدادشان بر ۲۵۰۰ می‌رسد عملاً تحت شعاع یازده بنگاه عظیم نشر کتاب می‌باشند.

افزون بر آمار فوق، صهیونیست‌ها بر وسایل ارتباط جمعی دیگری در آمریکا سلطه دارند. طبق آمار تهیه شده در سال ۱۹۸۲ تعداد آنها به بیش از ۲۵ هزار رسانه چاپی و الکترونیکی می‌رسد که از این میان تنها ۹۰۰۰ آن مربوط به ایستگاه‌های رادیویی و ۱۰۰۰ آن به ایستگاه‌های تلویزیونی اختصاص دارد. این رسانه‌ها در کنترل معدودی شرکت صهیونیستی است که تعداد آنها بیش از ۱۵۰۱ شرکت نمی‌باشد.

براساس آخرین آمارهای موجود



پشت پرده غول تجاری آی.بی.ام

میشم عرب سرخی

شرکت آی.بی.ام (IBM) که نام آن برگرفته از عبارت ماشین‌های تجاری بین‌المللی (International business Machines) است یک شرکت آمریکایی است که در زمینه فناوری فعالیت می‌کند. این شرکت که با نام آبی بزرگ (Big Blue) نیز شناخته می‌شود به فروش سخت‌افزار و نرم‌افزار رایانه‌ای مشغول بوده و به ارائه خدمات زیربنایی، هاستینگ و مشاوره‌ای در حوزه‌های رایانه‌ای و نانو تکنولوژی می‌پردازد. دفتر اصلی این شرکت در نیویورک ایالات متحده آمریکا است.



مؤسس شرکت IBM توماس جی واتسون

عضویت وی در گروه فراماسونری (Masonic organization) و حمایت مالی از این گروه بود. تا سال ۲۰۱۰ بیش از ۴۲۶ هزار نفر در ۱۷۰ کشور دنیا برای این شرکت مشغول به فعالیت بوده اند. این شرکت با در اختیار داشتن ۹ لابراتوار تحقیقاتی و پیشرفته‌ترین امکانات علمی به جذب و استخدام نخبه‌های علمی دنیا اقدام می‌کند و تا کنون ۵

این شرکت با داشتن سهامی به ارزش ۶۹،۹۰۵ میلیون دلار و ۸٪ افزایش نسبت به سال ۲۰۱۰ عنوان دومین برند برتر دنیا در سال ۲۰۱۱ را به خود اختصاص داد آی.بی.ام در سال ۱۹۱۱ توسط توماس جی واتسون و با ادغام سه شرکت International Time Recording Company, Computing Scale corporation, Tabulating Machine company، تاسیس شد. نکته جالب در مورد واتسون

برنده جایزه نوبل، ۹ برنده نشان ملی فناوری و ۵ برنده نشان ملی علمی را جذب کرده است. این شرکت از زمان تأسیس خود دچار تغییرات سازمانی بسیاری شده است. آخرین تغییرات مربوط به امسال بود که سم پالمیسانو (Sam Palmisano) رییس پیشین شرکت جای خود را به جینی رومتی (Ginni Rometty) داد.

اسرائیل و IBM

فعالیت آی.بی.ام در اسرائیل دارای سابقه زیادی است. این شرکت نقش بزرگی در توسعه دانش فنی اسرائیل و رشد تجارت بین‌الملل این رژیم ایفا کرده است. از سال ۱۹۵۰ به بعد، زمانی که آی.بی.ام فعالیت خود در اسرائیل را آغاز کرد، با ایجاد پژوهشگاه‌های تحقیق و توسعه و واحد فن‌آوری جهانی (Global Technology Unit) در مسیر توسعه این رژیم گام برداشته است. آزمایشگاه‌های تحقیق و توسعه که در سال ۱۹۷۲ به عنوان مرکز علمی آی.بی.ام تأسیس شدند دارای سه بخش تحقیقاتی مجزا هستند: پژوهشگاه تحقیقاتی حیفا (که بزرگترین مرکز تحقیقاتی آی.بی.ام در خارج از آمریکا به شمار می‌رود)، پژوهشگاه گروه فن‌آوری و سیستم‌های آی.بی.ام اسرائیل و پژوهشگاه نرم افزار آی.بی.ام اسرائیل. علاوه بر ارائه راه حل‌های فن‌آوری برتر (High Tech) برای بخش تجارت و صنعت اسرائیل، این شرکت با موسسات آموزشی اسرائیل مانند دانشگاه حیفا و موسسه فن‌آوری اسرائیل همکاری

نزدیکی دارد. بسیاری از محققان پژوهشگاه‌های تحقیق و توسعه به تدریس در موسسات آموزش عالی در اسرائیل مشغول هستند. با توجه به کمک این شرکت به ارتباط نزدیک دانشگاه و صنعت، بسیاری از فارغ التحصیلان این موسسات آموزشی در شرکت آی.بی.ام مشغول به کار می‌شوند.

این شرکت همواره تعهد خود را به پیشرفت اقتصاد و تقویت موقعیت این رژیم در بازار جهانی نشان داده است. واحد فن‌آوری جهانی آی.بی.ام، که در سال ۲۰۰۱ تأسیس شد و به عنوان نقطه تلاقی میان شرکت آی.بی.ام و بخش صنعت اسرائیل معرفی شد، فرصت‌های تجاری مختلفی را برای این شعبه از خود فراهم ساخت.

تا همین اواخر شرکت آی.بی.ام نرم افزار شبیه سازی را برای وزارت دفاع اسرائیل تهیه کرد. علاوه بر این، بیش از ۴۰ سال است که تأمین زیرساخت‌های تکنولوژیکی اسرائیل به عهده آی.بی.ام است. بسیاری از مدیران ارشد شرکت آی.بی.ام برای فعالیت‌های مستمر در تقویت روابط اسرائیل و آمریکا دارای شهرت بسیاری هستند. این شرکت حتی یکی از اعضاء فعال اتاق بازرگانی تجارت و صنعت اسرائیل و آمریکا، سازمانی متشکل از شرکت‌ها و افراد با نفوذ با هدف ترویج روابط تجاری میان دو کشور، به شمار می‌رود. مئیر نیسنسون (Meir Nissensohn)، رئیس شعبه آی.بی.ام در اسرائیل در سال ۲۰۰۸ از سوی این اتاق مورد قدردانی قرار گرفت.

RFIDهای ساخت آی.بی.ام، ابزاری

برای کنترل انسان‌ها

شرکت آی.بی.ام در سال ۲۰۰۶ بخشی با نام مرکز اطلاعات RFID تأسیس کرد. این مرکز با استفاده از این فن‌آوری امکان ردیابی کامل محصولات مورد نظر خود را دارد. این فن‌آوری در ابتدا بیشتر جنبه تجاری داشت، اما به مرور زمان استفاده‌های دیگری از آن به عمل آمد. این شرکت در کنفرانسی که در سال ۲۰۰۷ در لاس‌وگاس برگزار شد از این فن‌آوری برای ردیابی شرکت

کنندگان در کنفرانس استفاده کرد. چیپهای RFID به صورت برجستگی بر روی لباس شرکت کنندگان نصب می‌شد. شرکت آی.بی.ام برای این فن‌آوری جدید خود در حوزه‌های مختلف مشتریانی یافته است که از آن جمله می‌توان به وزارت دفاع ایالات متحده اشاره کرد.

برنامه IBM برای آینده‌ی Trusteer

IBM کنترل Trusteer را در اختیار خواهد گرفت و آزمایشگاه جدیدی را به نام IBM Cybersecurity Software Lab در تل‌آویو تأسیس خواهد کرد. گفتنی است بیش از ۲۰۰ تن از کارکنان Trusteer و IBM به تحقیق و توسعه در این مکان خواهند پرداخت. برندان هنیگان، مدیر کل بخش سامانه‌های امنیتی در IBM گفت: «فن‌آوری و تخصص برتر Trusteer در روش‌های جلوگیری از بدافزارهای پیشرفته و نیز راه‌کارهای دفاعی به مشتریان ما که در حوزه‌های گوناگون صنعتی اشتغال دارند کمک می‌کند تا با تهدیدهایی که دائماً با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند بهتر مقابله نمایند. ما با استفاده از قابلیت‌هایی که IBM در شناسایی، تحلیل و از میان برداشتن تهدیدهای پیشرفته دارد، می‌توانیم لایه‌های امنیتی دیگری را برای دفاع مقابل مهاجمان سایبری سرسخت به مشتریان خود ارائه نماییم.»

Big Blue طی سال‌های اخیر شرکت‌های امنیتی متعددی را در اختیار گرفته که بزرگترین و محبوب‌ترین آن‌ها شرکت تجزیه و تحلیل امنیتی Q Labs بوده است. پیوستن به Trusteer بی‌علت نیست؛ در حقیقت Trusteer با اهداف IBM در راستای ارائه سرویس‌های مورد نیاز کاربران و نیز هم‌جهت‌شدن با مسیر حرکت کاربران از رایانه‌ها به تلفن‌های همراه هم‌سو می‌باشد.

ساختمان مرکزی
IBM در نیویورک





صندلی خالی تدبیر

فروردین ۱۳۸۲ و در کشاکش حمله نظامی به عراق نیروهای آمریکایی با بالگرد اعلامیه‌هایی را بر سر مردم عراق می‌ریختند که در آن سعی می‌کردند اشغال این کشور را برای مردم توجیه کنند. این شاید بارزترین و ظاهری‌ترین نمونه از یک جنگ روانی برای به تسخیر درآوردن ذهن انسان‌ها باشد. مسلماً اگر آن روز در دوران گسترش گوشی‌های هوشمند و فناوری‌های نوین ارتباط جمعی قرار داشتیم چنین کاری را می‌شد با هزینه بسیار کمتر و البته آسان‌تر انجام داد.

پس از رسوایی اینترنتی آژانس امنیت ملی آمریکا (NSA) رادیو دولتی آلمان و اگذاری آیکان را کف مطالبات اتحادیه اروپا و کشورهای دیگر عنوان کرد. (دوچه وله؛ ۴ مارچ ۲۰۱۴) فارغ از چنین اطلاعاتی حتی نگاه مختصری به رفت و آمد مدیران وبسایت‌ها و شبکه‌های مجازی به کاخ سفید و پنتاگون کافی بود تا به سرمایه‌گذاری عظیم جبهه مقابل در این حوزه پی ببریم. (برای نمونه نگاه کنید به انتقال مگان اسمیت از گوگل به پست مشاور فناوری اوباما در سال ۲۰۱۴ و یا انتقال رجینا دوگان از انستیتو دارپا وابسته به پنتاگون به پست مدیریت اجرایی گوگل در سال ۲۰۱۱) پس از افشای پروژه پریسم و رسوایی آژانس امنیت ملی آمریکا (NSA) روزنامه گاردین نقشه‌ای از اهداف عملیات سایبری NSA را منتشر کرد. نقشه‌ای که مطابق با آن جمهوری اسلامی ایران در وضعیت قرمز و در ردیف اول فهرست کشورهای هدف قرار داشت. (Guardian, ۹ June ۲۰۱۳)

دفاع وقت آمریکا گفت: «فضاهای مجازی خط مقدم جبهه‌های نبرد آینده خواهد بود.» (رادیو فردا؛ ۲۹ مهر ۱۳۹۱) عرصه مجازی و یا به عبارت رایج‌تر اینترنت آنقدر اهمیت داشت که در اکتبر ۲۰۱۱ ژنرال کیث الکساندر فرمانده امور سایبری ایالات متحده اعلام کرد «با واگذاری کنترل اینترنت به سازمان ملل موافق نیست.» (Washington Times, ۲۰ October ۲۰۱۱) کمتر از یک سال بعد در سپتامبر ۲۰۱۲ آمریکا با صراحت بیشتری ضمن خودداری از واگذاری کنترل شبکه جهانی اینترنت به سازمان ملل تاکید کرد: «این کنترل را نه به سازمان ملل و نه به هیچ سازمان و نهاد دیگری واگذار نخواهد کرد.» (همشهری آنلاین؛ ۱۲ شهریور ۱۳۹۱) بر مبنای این رویکرد سیاست‌گذاران ایالات متحده، اکنون شرکت آمریکایی آیکان که زیر نظر دولت آمریکا اداره می‌شود کنترل مهم‌ترین بانک اطلاعاتی اینترنت جهان را در انحصار خود دارد تا جایی که

در اول نوامبر ۲۰۱۲ (آبان ۱۳۹۱) روزنامه یدیعوت آحارانوت خبر از سرمایه‌گذاری ارتش رژیم صهیونیستی در فضای سایبری داد و چیزی نگذشت که یورونیوز در گفت‌وگو با یکی از فرماندهان ارتش اسرائیل خبر تاسیس یگان ویژه‌ای در ارتش اسرائیل را منتشر کرد؛ یگانی که در آن سربازان ارتش هر روز با لباس‌های نظامی پشت رایانه‌هایشان می‌نشستند و به تولید محتوا در فضای مجازی می‌پرداختند. آویتال لیوویچ که به عنوان سخنگوی ارتش اسرائیل در واحد ویژه شبکه‌های مجازی با یورونیوز مصاحبه می‌کرد گفت: «هدف ما در حال حاضر پوشش مخاطبان در سراسر دنیاست. مخاطبانی که شاید اخبار و اطلاعاتشان را از رسانه‌های معمول دریافت نمی‌کنند [...] اما مزیت اصلی [شبکه‌های مجازی] در این است که حتی افراد ۱۸ ساله و دوستانشان نیز در آن حضور دارند.» (یورونیوز؛ ۲۰ نوامبر ۲۰۱۲) تقریباً در همان ایام بود که لئون پانه‌تا وزیر



توان سایبری ارتش رژیم صهیونیستی

پرسش و پاسخی در مورد توان سایبری ارتش اسرائیل با حسین افسری کارشناس حوزه سایبر

ضرورت بحث سایبری در رژیم صهیونیستی چیست؟

ما با یک پدیده‌ای روبرو هستیم به نام رژیم صهیونیستی که در یک جغرافیای بسیار کوچک شکل گرفته‌است. این جغرافیای کوچک از لحاظ سرزمین، برای حفظ موجودیت و بقای خودش نیازهای خاصی را تعریف کرده‌است؛ مهمترین نیازی که این موجودیت برای خود احساس کرد، بحث خودکفایی است. چون با بسیاری از کشورهای همسایه درگیر هستند، در نتیجه به این سمت رفتند که در تمام حوزه‌ها به یک نوع خودکفایی دست یابند. حتی با وجود حمایت‌هایی که آمریکا و انگلستان بعنوان پدیدآورندگان و حامیان اصلی دارند، این حوزه به گونه‌ای حرکت می‌کنند که بتوانند به طور مستقل به بقای خود ادامه بدهند. برای حفظ بقا، به‌ویژه بعد از جنگ ۱۹۷۳ و ۱۹۶۸، جنگ‌های شش روزه و... به این نتیجه رسیدند که برای حفظ برتری خود در منطقه لازم است که به برتری فناوری برسند. برتری فناوری از گذشته‌های دور مورد توجه یهودیان و به ویژه صهیونیست‌ها

بوده است.

در بحث فناوری و علوم نوین تاکید خاصی در آموزه‌ها و هم در استراتژی‌هایی که برای خود تعریف کردند، دارند؛ در همین راستا سعی نمودند در حوزه‌های علمی و فناوری به مرز خودکفایی برسند. حوزه‌هایی را بعنوان استراتژیک و راهبردی تعریف کردند و سعی کردند تمام تلاش خودشان را معطوف کنند که در این حوزه‌ها به حد اعلای آن دانش برسند. برای رسیدن به این حوزه‌ها در بحث انتخابشان عموماً حوزه‌های استراتژیک و جلوتر از زمان خودشان بود. یعنی حوزه‌هایی که بعدها جامعه جهانی یا سایر کشورها به اهمیت این حوزه پی خواهند برد.

رژیم صهیونیستی برای رسیدن به این خودکفایی از چه روش‌هایی استفاده می‌کنند؟

یکی از مهمترین حوزه‌هایی که برای خود تعریف کردند، حوزه فناوری اطلاعات (IT) و فناوری اطلاعات و ارتباطات (ITC) بودند. برای اینکه به این نتیجه برسند و آینده دنیا و فناوری‌ها در دستان صهیونیست‌ها باشد، در حوزه

فناوری اطلاعات از چندین روش استفاده کرده‌اند.

(۱) اولین روش استفاده «جاسوسی اطلاعات» و یا «جاسوسی علمی» است، که خیلی از دانش‌هایی که الان در حوزه‌های گوناگون کسب کرده‌اند، به شیوه جاسوسی علمی یا جاسوسی صنعتی بوده و این کار توسط شاخه‌های نظامی امنیتی انجام گرفته‌است. یعنی شاخه‌های نظامی امنیتی، جاسوسی صنعتی انجام می‌دهند و خروجی دانش‌های دریافت شده را به بخش‌های علمی تحقیقاتی صنعتی داخلی خود تحویل می‌دهند. براساس برخی از اسناد موجود؛ رژیم صهیونیستی فعالیت‌های جاسوسی که بیان شد را با یک سرویس تحت عنوان «لاکام» در وزارت دفاع اسرائیل، زیر نظر «آمان» انجام می‌دهد، که در دو یا سه مورد رسانه‌ای شده‌است، یکی در عملیات دزدیدن ۲۰۰ پوند اورانیوم از آمریکا بود که معروف به «انحراف نومک» شد؛ دیگری یک عملیات در نیروی دریایی آمریکا بود با عنوان «عملیات پودارت».

پودارت ترجمه فارسی مناسبی ندارد، یکی دو کتاب به صورت

جزئی پیرامون آن نوشته شده است. پیرامون «نومک» به فارسی کتابی با عنوان «کابوس در بیداری» به چاپ رسیده که در آن ریز عملیات و مشکلاتی که بعدها برای آمریکا در این ۵۰-۶۰ ساله بوجود آمده، بیان شده است. ۲) وارد کردن غول‌های فناوری دنیا به جغرافیای خودشان؛ یعنی با غول‌های تکنولوژی که در این حوزه به ویژه در آمریکا قرار داشتند با استفاده از لابی و مذاکرات آنها را ترغیب کردند و با فرصت سازی و بسترسازی داخل رژیم صهیونیستی، آنها را تشویق کردند که مراکز تحقیق و توسعه خود را در این سرزمین ایجاد کنند. به عنوان مثال مرکز تحقیق و توسعه اینتل، مرکز تحقیق و توسعه سیسکو و بعدها مرکز تحقیق و توسعه مایکروسافت؛ یعنی مایکروسافت طی سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۹۱ مثل امروز رشد نکرده بود اما شرایط را برایش مهیا می‌کنند.

۳) تأسیس شرکت‌های نوپا؛ حدود یک‌چهارم رژیم صهیونیستی از فارغ التحصیلان دانشگاهی هستند، این فارغ التحصیلان را به سمت مراکز تحقیق توسعه به‌منظور تأسیس شرکت‌های نوپا در حوزه‌های مختلف هدایت می‌کنند، سپس با ایجاد خوشه‌های صنعتی، به حمایت از آن‌ها می‌پردازند. یعنی یک خوشه علمی ایجاد می‌کنند که زیرمجموعه این خوشه صدها شرکت را پوشش می‌دهد. این خوشه شرکت‌های نوپا را به مراکز تحقیق توسعه که نمایندگی از کشورهای دیگر داشتند وصل می‌کنند تا بتوانند با هم افزایی تولید علوم و دانش کنند.

۴) تأثیر عملکرد ارتش و واحدهای نظامی اسرائیل؛ متأسفانه دوگانه، واحدهای نظامی و واحدهای دانشگاهی در کشور ما کاملاً از هم جدا است. در اسرائیل به این صورت نیست و واحدهای نظامی ارتباط بسیار تنگاتنگی با واحدهای دانشگاهی دارند و نتیجه این شده که این

شرکت‌ها در مرزهای دانش حرکت می‌کنند. به عبارت دیگر برای مثال در حوزه امنیت شبکه شما می‌بینید که بزرگترین شرکت‌های تولیدکننده سخت‌افزارهای امنیت شبکه یا کشورهای دارای دانش امنیت شبکه وابسته به رژیم صهیونیستی است. اتفاقی که افتاده در نتیجه این هسته‌های کوچک و شرکت‌های نوپایی است که به تدریج به سمت تجاری شدن حرکت کردند، این هسته‌های کوچک، بزرگ و بزرگتر و در نهایت تجاری شدند و خدماتشان را به کل دنیا عرضه داشتند. برای این موضوع هم تعاملات تجاری خیلی زیادی با هند یا چین و کشورهای مختلفی در این حوزه‌ها برقرار کردند. برای مثال در حوزه نیمه هادی‌ها، پردازشگرها، و... نتیجه سرمایه‌گذاری و حمایت ارتش از شرکت‌های نوپا آن است که رژیم صهیونیستی یکی از قطب‌های برخی از حوزه‌های مهم در پردازشگرها، شبکه و ارتباطات در سطح جهانی است. به گفته بسیاری از کارشناسان بین‌المللی مدل پیشرفت آمریکا در حوزه ارتباطات خیلی به سیلیکون ولی وابسته بود. سیلیکون ولی منطقه‌ای است نزدیک سان‌فرانسیسکو که از شرکت‌های نوپای کوچک شروع شد و امروزه بزرگترین شرکت‌های دنیا در سیلیکون ولی هستند.

اسرائیل معروف است به سیلیکون ولی دوم دنیا. یعنی اسرائیل از آن مدل استفاده کرد و الان ساختارهای فناوری و خوشه‌های علمی و صنعتی را در کل رژیم صهیونیستی فعال کرده است. با این روش یکی از کارهایی که انجام دادند بین رشته‌ای کارکردن علوم بود، هم در حوزه‌های فناوری و هم در حوزه‌های دیگر. برای مثال از گذشته در حوزه الکترواپتیک یا سنجش تصویری فعالیت می‌کردند، که نمونه عالی آن ماهواره‌های جاسوسی تصویر

بردای است. برای اینکه بتوانند به این تکنولوژی برسند حوزه IT این فناوری‌های مکان محور را گسترش دادند، مثلاً یک نرم افزار مثل Waze (مسیریاب) فقط یک ساختار نرم‌افزاری تک بعدی نیست، Waze تلفیق دانش‌های زیادی است، دانش فناوری اطلاعات، دانش حوزه‌های ماهواره‌ای و دانش نرم‌افزاری و ارتباط بین اینهاست که یک مجموعه‌ای حرف اول را در حوزه خدمات راهنمایی و مپینگ در سطح دنیا می‌زند.

۵) جذب دانشمندان و نخبگان دنیا؛ این روش یکی از پرکاربردترین روش‌های رژیم صهیونیستی است. برای مثال فناوری اطلاعات اسرائیل در دهه ۹۱-۱۹۹۰ (دوره فروپاشی شوروی سابق)، رژیم صهیونیستی تعداد بسیار بالایی از دانشمندان شوروی سابق که در حوزه IT و حتی هسته‌ای وجود داشت را جذب کرد که این افراد پایه‌های دانشی در اسرائیل شدند که امروزه بسیاری از اتفاقات نتیجه این عمل است.

۶) پشتیبانی نهادهای مالی از تحقیقات علمی؛ در وزارت بازرگانی اسرائیل اداره‌ای به نام اداره دانشمندان ارشد وجود دارد، که وظیفه آن شناسایی استعدادها است و دانش آنان را به سمت تجاری شدن و به ثمر رساندن حرکت بدهد. تصور مردم در ایران این است که وزارت علوم چنین وظیفه‌ای دارد، نه! این ساختاری است که در سایر حوزه‌های فناوری نیز بکار گرفته‌اند، به طور مثال در صنایع کشاورزی ورود جدی کردند و یا در صنعت زیستی تولید آب شیرین کن و... ۷) ایجاد ساختار در راستای رشد علمی؛ این روش پشت پرده ساختاری است که از اینها حمایت می‌کند تا این فناوری‌ها رشد کنند و در قله دانش قرار بگیرد، مانند نانو. اگر یادتان باشد در چشم انداز ۲۰ ساله گفتیم کشور اول منطقه، یعنی چی؟ یعنی ما باید در حوزه تمام این فناوری‌ها

فضای سایر کاربردهای نظامی- امنیتی و تخریبی است. (۵) تاثیرگذاری بر فضای استانداردها و سیاستگذاری‌ها؛ یکی دیگر از کارهایی که اینها کردند، از طریق تاثیرگذاری بر فضای استانداردها است. مثلاً شما می‌خواهید کاری کنید که یک کشوری چیزی مطابق نظر شما بسازد، یکبار می‌توانید القا کنید که اینجوری بساز، یکبار می‌توانید در سطح جهانی یک استاندارد تولید کنید که اگر شما بخواهید شبکه بسازید باید پروتکل‌هایش اینجوری باشد، یعنی استاندارد پروتکل رو شما تعیین می‌کنید، چون هم در سخت افزار و هم نرم افزار پیشرو هستید. در نتیجه استاندارد را شما تعیین می‌کنید. در حقیقت هرچه که به نفع شما است آنجا می‌گنجانید و احیاناً ضررهایش را خودتان می‌فهمید. کاری که اینها کردند در حوزه فضای مجازی، تعریف استانداردها است. ما بعنوان یک کشوری که در این حوزه پیشرو نیستیم، مثلاً اگر <https://> می‌آید یعنی نسخه دوم یا نسخه <https://> می‌آید ما مجبوریم از آنها استفاده کنیم. برای مثال شما وایمکس رو شنیدید، وایمکس یک شیوه ارتباطی است. وایمکس تکنولوژی است که در اصل از اسرائیل شروع شد. یعنی شما یک تکنولوژی وایمکس دارید و آن را به دیگران توسعه و در واقع راه‌های نفوذ را هم دارید. به همین خاطر خیلی از سیستم‌های ارتباطی ما نفوذپذیر هستند زیرا شما از سخت افزارهایی استفاده می‌کنید که استانداردهایش توسط آنها نوشته شده است. نکته جالب برعکس آن وقتی

پدیدآورنده اصلی سیستم و پشت پرده حمایتی و هدایتی آن رژیم صهیونیستی قرار می‌گیرد. (۳) استفاده از فضای مجازی برای تاثیرگذاری بر افکار عمومی کشورهاست. که این موضوع را قبل‌تر از خیلی از کشورهای دیگر شروع کردند. به عبارت دیگر یهودی‌ها دو یگان رسمی نظامی تشکیل می‌دهند که یکی کار هدایت افکار عمومی و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی دارد و دیگری آموزش به جوانان و فعالان برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و هدایت آنهاست. یعنی شما یک دسته افسران رسمی دارید که در فضای مجازی در حال فعالیت‌های مجازی هستند و یک دسته علاقمندانی که کار تبلیغاتی انجام می‌دهند. برای مثال در جنگ حزب الله لبنان -دقیقاً این اسنادش موجود است، کتاب «پول خون»- از این یگان‌ها استفاده کردند و آموزش‌هایی به دانشجویان دانشگاه‌ها می‌دادند که آنها در شبکه‌های اجتماعی فعالیت کنند. کارهایی که اینها در بیداری اسلامی که در مصر اتفاق افتاد، تاثیرگذاری و جهت دهی که آنجا انجام دادند را شامل می‌شود.

(۴) استفاده‌های نظامی- امنیتی و تخریبی؛ یکی از اقداماتی که علیه دنیا انجام می‌دهد عملیات تخریبی است. شما در ایران زحمت می‌کشید مثلاً نطنز و فوردو را می‌سازید، آنها یک ویروسی به نام استاکسنت طراحی می‌کنند، مستندی به نام zero101 ساخته می‌شود و شما را در موضع انفعالی قرار می‌دهند و یا جهاد مغنیه از طریق موبایل شناسایی و ترور شد. یعنی یکی از استفاده‌های

از رژیم صهیونیستی جلوتر باشیم. اما حالا مشکل سیاست‌های ماست که نمی‌تواند این هدف رو محقق کند.

رژیم صهیونیستی برای تحقق اهداف خود چه استفاده‌هایی از فضای مجازی می‌کند؟

(۱) شناسایی حوزه‌هایی که بیشترین تاثیر را در زندگی یا کسب و کار و فرایندهای جامعه دارد، قبل از اینکه دیگران انجام دهند روی آن سرمایه گذاری می‌کنند و آن را به بازار ارائه می‌کنند، وقتی به بازار ارائه شد بوسیله آن در جوامع هدف خود نفوذ پیدا می‌کنند، مثل وایبر. ناگهان ساختار نظامی اسرائیل به نتیجه می‌رسد که الان عصر پیام رسان‌ها است، سرمایه گذاری می‌کند و وایبر را تولید می‌کند و در منطقه پخش می‌کند و با وایبر نفوذ مورد نیاز خود را بدست می‌آورد. موضوع دوم مثل Waze، که مثلاً ما الان خیلی وابسته‌ایم. یعنی شناسایی می‌کنند چه موضوعی الان مورد نیاز خواهد شد، آن را قبل از اینکه دیگران به آن برسند نمونه تراز یک را می‌سازند و به بازار ارائه می‌کنند تا اقبال جامعه را به خودشان جلب کنند و تمام اطلاعاتی که از آن جامعه لازم دارند را بدست می‌آورند.

(۲) شناسایی نخبگان یهودی در سطح جهان و سرمایه‌گذاری بر اندیشه آنان تا از طریق آنها کارهای نوآورانه یا پیشرو در سطح دنیا انجام دهند. مثلاً زاکربریگی و خیلی‌های دیگر را شما می‌بینید که یا یهودی هستند که از طریق آژانس‌های یهود حمایت می‌شوند یا در مراحل رشد و نضج خودشان در حال رشد و شکوفایی مورد حمایت نهادهای صهیونیستی قرار می‌گیرند، مثل تلگرام، مثلاً فلان آقای روسی را که عقبه‌ای مخالف دولت و تمایلاتی نسبت به رژیم صهیونیستی دارد را حمایت می‌کنند تا تلگرام بوجود می‌آید، و در سطح جهان مبداء و منشأ آن را هم جای دیگری معرفی می‌کنند برای مثال فیسبوک مقررش آمریکاست اما در حقیقت



چین سخت افزار می‌نویسد، روتر یا سویچ طراحی می‌کند، امریکا اجازه ورود نمی‌دهد زیرا وقتی که چین روتر تولید می‌کند در حقیقت پنجره‌های پستی در اختیار چینی‌هاست. یا برعکس چینی‌ها اجازه ورود نمی‌دهند. اینها در حقیقت جنگ فناوری است، جنگ تکنولوژی است که هرکس بتواند تکنولوژی بالاتری را ارائه کند راه‌های رخنه را در دست گرفته‌است.

۶) روش دیگری برای استفاده‌های امنیتی و جاسوسی است؛ الان bts هایی (آنتن‌های مخابراتی) که ما استفاده می‌کنیم خیلی از تکنولوژی‌های آن از اسرائیل نشأت گرفته‌است. به همین خاطر گوگل اعلام کرد که اگر لوکیشن خاموش باشد از طریق bts های مخابرات محدود جغرافیایی مشخص می‌شود. این سطح کمترین چیزی است که اینجا رسماً اعلام می‌شود. گوگل نیز با شعار اینکه خدمات بهتر ارائه می‌دهم دست به این کار می‌زند. این‌ها نیز نمونه‌هایی از جنگ‌های فناوری است.

با توجه به نکاتی که فرمودید و هجمه‌های دشمن علیه ایران و انقلاب، ما بعنوان یک ایرانی باید چکار کنیم؟

خیلی ساده است؛ می‌شود گفت که خیلی از روش‌هایی که رژیم صهیونیستی استفاده کرده است، برای ما قابل برداشت است، یعنی شاید این شیوه‌هایی که آنها برای رشد تکنولوژی و فناوری داشتند ما بتوانیم آنها را تحلیل و بکار بگیریم. اسرائیل مرکز تحقیق و توسعه گوگل را داخل داخل مراکز خود ایجاد میکنند و دانش موتور تحقیق و جستجو به اسرائیل منتقل می‌شود. ما نمی‌توانیم گوگل را بیاوریم. اما چرا با baido چینی صحبت نمی‌کنیم تا تکنولوژی خود را داخل ایران بیاورد. اگر دانشی وجود دارد بیاورد اینجا. الان بازار را تحویل امریکایی‌ها دادیم. ما فکر می‌کنیم این وسط یا باید ایرانی

باشد یا کلاً بازار را بدهیم دست طرف خارجی!

دوم در سیاست‌های حمایتی به شرکت‌های دانش بنیان است. رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۸۵م تا کنون به صورت ویژه از شرکت‌های نوپای خود حمایت می‌کنند. ما تازه یاد گرفتیم که یگان‌هایی را داشته باشیم که در حوزه عملیات روانی فعالیت می‌کند. خیلی از کارهایی که آن‌ها انجام می‌دهند را انجام بدهیم. ما مهمترین کاری که باید انجام دهیم بحث اقناع جامعه است، اقناع فکری جامعه است. دو بعد داریم:

۱- برطرف کردن نیازهای جامعه؛ یعنی اگر ما Waze را نداریم، باید معادلش را بسازیم. اگر نمی‌توانیم بسازیم لاقلاً از جای دیگری که اسرائیلی نیست، تأمین کنیم.

۲- اقناع جامعه یعنی؛ که نشان دهیم که در پس هر چیزی چه اتفاقی می‌خواهد بیفتد. برای اینکار به رصد تکنولوژی نیاز داریم.

در گام نخست فهم دقیق از مفاهیم و حوزه‌ها، مثل واقعیت مجازی (Virtual Reality) که در حوزه بازی است و فراتر از آن، حوزه AR، واقعیت افزوده، است. باید در این حوزه متخصصان و فعالان دنیا، شناسایی و رصد شوند و افرادی مخالف نظام سلطه هستند را بیابیم. گام دوم پس از شناسایی و رصد، آینده پژوهشی فناوری است. اگر ما نمی‌توانیم فناوری خاصی را در مرحله اول تولید کنیم، ایده و فکر و خلاقیت موجود را به کشور جذب کنیم و بسترهای رشد آن را فراهم کنیم. و گام سوم شناسایی مواضع خطر و آنجا که اقدامات لازم قبل بروز هرگونه اتفاق، دنیا دنیایی است که بیشتر از آنکه اقدامات سیاسی یا اقدامات اجتماعی جواب بدهد، الان فناری بر زندگی‌ها تأثیر می‌گذارد.

شما آینده حوزه سایبری را چگونه ترسیم می‌کنید؟

با توجه به نکاتی که بیان شد، جنگ آینده جنگ سایبری و جنگ فناوری اطلاعات است. ما دو تا جنگ در آینده خواهیم داشت که جنگ ما با اسرائیل در این حوزه خواهد بود. جنگ اول جنگ سایبری، یعنی حمله به زیرساخت‌های طرف مقابل. برای نمونه استاکسنت، در این حالات نمی‌توان دفاع کرد و باید تمام زیر ساخت‌ها اماده باشد. برای مثال ما بحث شبکه ملی اطلاعات رو حدود ۱۴ سال در مجامع رسمی بیان می‌کنیم. آیا به نتیجه مطلوبی رسیده است؟ نه هنوز. در جنگ سایبری کافی است یک بانک را مورد حمله قرار بدهند. حساب‌های یک بانک را بزنند. بالاتر از آن بانک مرکزی را بزنند. شبکه شتاب را بزنند. کشور بهم خواهد ریخت. چون اصلاً قابل اثبات نیست که من چقد پول داشتم. این در حوزه مالی. حمله به زیرساخت یعنی زیر ساخت‌های مدیریت منابع، آب، گاز و برق که لازم نیست با موشک از بین برود. بعنوان مثال مردم معتاد تاکسی‌های اینترنتی شدند، اگر یک روز شبکه‌ها از کار بیفتند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ نارضایتی مردم به چه صورت بروز خواهد کرد؟ جنگ دوم که مهم‌تر از اولی است، جنگ شناختی است، یعنی تأثیرگذاری بر جامعه طرف مقابل، به نحوی که مطابق با اندیشه‌ها و راهبردهای شما باشد. یعنی بر جامعه هدف به‌گونه‌ای اثر می‌گذارند که جامعه مطابق آنها حرکت خواهد کرد. اینجاست که مدیر جامعه هدف مطابق با استراتژی‌های دشمن فکر می‌کند و معلم با استراتژی‌هایی دشمن درس می‌دهد. در گذشته تهاجم فرهنگی یا جنگ نرم زیاد مطرح می‌شد. جنگ شناختی فراتر از اینهاست. مهمترین اتفاقی که در جامعه ایران در حال رخ دادن است، جنگ‌های شناختی است و در هر دوی این جنگ‌ها، فضای سایبر و فناوری اطلاعات حرف اول و آخر را می‌زند.

اگر من امروز رهبر انقلاب نبودم، رئیس فضای مجازی کشور
میشدم!

رایانه ها و فضای مجازی و سایبری که الان در اختیار شماست
،اگر بتوانید این ها را یاد بگیرید می توانید یک کلمه حرف درست
خودتان را به هزاران مستمعی که شما را نمی شناسند برسانید!
این فرصت فوق العاده ایست مبادا این فرصت را ضایع کنید
که اگر ضایع شد خداوند متعال از من و شما روز قیامت سوال
خواهد کرد.

بیانات مقام معظم رهبری در ۱۳۹۱/۷/۲۰

**destruction
of
Israel**